



دها هزار نفر در سراسر جهان

علیه جنایات رژیم اسرائیل به خیابان آمدند

بیداری انسانی نظاہرات جهانی

صفحه ۲ را بخوانید

رژیم اشغالگر
از کجاست می خرد؟

ایجاد اوپک گازی توسط
ایران و روسیه

الزام به تشکیل

صنف تهیه کنندگان تئاتر

میانگین قیمت آپارتمان در تهران
از متری ۸۰ میلیون تومان گذشت

احیای جایگاه تاریخی ایران
در قفقاز جنوبی

صفریک

اما واگرهای احیای دریاچه ارومیه

مهندس ناصر خلقی

در نجات دریاچه ارومیه ۳ دیدگاه متفاوت وجود دارد.

۱) عده‌ای معتقدند که این دریاچه امکان احیا دیگر ندارد

۲) عده‌ای معتقدند این دریاچه حتما احیا خواهد شد

۳) عده‌ای معتقدند دریاچه ارومیه تحت یک شرایط ویژه‌ای تا حدی و نه بطور کامل احیا خواهد شد.

چرا ارائه چنین دیدگاهی در شرایطی که ما نیاز داریم حتما دریاچه ارومیه احیا بشود را ضروری می دانیم؟

افرادی که اعتقاد به احیا نشدن مطلق این دریاچه دارند مدعی هستند با توجه به نابودی دهستانکی که در حوضه آبریز ارومیه با گستره حدود ۵۲ هزار کیلومترمربعی ایجاد شده و تار و پود تمامی ویژگیهای طبیعی این حوضه توسط مدیریت آکنده از خطای آب و خاک کشور بوجود آمده احیا ناممکن است. دهها هزار حلقه چاه صاحب پروانه قانونی!! هزاران حلقه چاه غیر مجاز!!! تغییرات وحشتناک کاربری در کالبد اراضی این حوضه، تغییرات جانکاهی چون جانشین

ناپذیر در زیرزمین است که بزودی فراخور هر دشتی نابود خواهند شد. پس دیگر اینجا از نظر علمی احیا منتفی است. آیا دریاچه ارومیه نیز اینچنین است؟ مسلما شرایط، بسیار بهتری از آکیفرها که تا چند ده هزار سال Recover شدن آنها آن هم اگر کاری به آنها نداشته باشیم و به درازا می کشد بهتر است. در حال حاضر برای دریاچه Salt lake city آمریکا که در ایالت یوتا قرار داشت مدل های پیش بینی فراوانی ارائه شد و طی سالها متخصصین، مدیران و مردم (نقش همکاری مردم مهم است. درحوضه آبریز ارومیه مردم به دلیل عملکرد مدیریت بسیار بد آب و خاک کشور با وزارت نیرو و یا ارگان دیگری همکاری نمی کنند) موفق شدند تا حدی این دریاچه مهم را احیا نمایند ولی هرگز به حالت اولیه خود بر نگشت. حال چه باید کرد؟ اگر حکمرانی آب کشور تمایل قطعی برای همکاری و رفع مشکل دارد لطفا شعار ندهد که ما صد در صد دریاچه ارومیه را احیا خواهیم کرد که من به عنوان یک عضو کوچک از بدنه تخصصی کشور این را نمی توانم بپذیرم. خواسته مردم ایران به ویژه آذربایجان غربی و شرقی از مسئولین این است که باید حرکتی عملی دال بر احیای این دریاچه ولو ناقص بدهند. ما چه علامت مثبتی از شما تا کنون مشاهده کرده ایم؟

نبودن الگوی اقتصاد سیاسی مصرف محور با شرایط طبیعی حوضه و دهها مورد دیگر را از دلایل اصلی ناامیدی برای عدم احیا می دانند. عده‌ای دیگر نیز مطلقا معتقدند که با برطرف گردیدن مواردی که اشاره شد این دریاچه حتما احیا می شود و دلیلی برای منفی بافی نیست. اما دسته سوم چه می گویند؟ آنها معتقدند پهنه‌های مهم محیط زیستی وسیع چون دریاچه ارومیه به سادگی و بطور کامل به حالت اول خود به دلیل تخریب‌های زیاد بر نخواهند گشت ولی از احیای تقریبی آن نیز ناامید نیستند. بگذارید مثالی را ارائه بدهم. حتما شنیده اید که مدیریت منابع آب کشور مدعی است که می تواند آبخوانها و منابع آب زیرزمینی کشور را که بیش از ۵۵ درصد مصارف شرب، کشاورزی و صنعت را تامین می کنند احیا کند. آیا این جمله یک ادعای علمی است؟! هزار البته خیر!! بنا به دهها دلیل هیدروژئولوژیکی و ژئوهیدرولوژیکی و طبیعی آبخوانهای ایران قابلیت احیا خود را از دست داده اند. ما چه می توانیم بکنیم؟ آیا دست بر روی دست بگذاریم و نظاره گر نابودی بیشتر باشیم؟ مسلما خیر. اما جلوگیری از تخریب بیشتر حفظ باقیمانده آب تجدید

کردن کشت انگور کم آب طلب که در دنیا مانند کشورهای سواحل مدیترانه معروف بود با درختان سیب پر آب طلب، نبود حکمرانی معقول و در جهت توسعه پایدار، ساخت سد های کوچک و بزرگ فراوان که روند ورود آبهای سطحی را به دریاچه زیبای ۵۲۰۰ کیلومتر مربعی ارومیه مسدود نمود، نبود کشت علمی و منطبق با شرایط حوضه الگوی کشت علمی خرید محصولات کشاورزی، تفکر انتقال آب بین حوضه ای مانند زاب بجای ایجاد گلخانه های مدرن، هیدروپونیک و آکواپونیک و بالا بردن بهره‌وری، افزایش میزان محصول در واحد سطح به جای افزایش سطح کشاورزی و تلف نمودن آب بیشتر، ناآگاهی از آمار دقیق ورودی و خروجی آب به درون این حوضه، ایجاد صنایع نابود کننده مانند کارخانجات قند آن هم مانند انتقال از فریمان به مهاباد در این حوضه!! اشراف نداشتن مدیریت آب و خاک از ویژگی های طبیعی این حوضه در تهران و حتی آنهایی که در تبریز و ارومیه ساکن بودند، محلی از اعراب نداشتن مدیریت آب کشور در مورد خشک شدن و یا نشدن این دریاچه، اهمیت ندادن به ۲۶ مورد اشاره شده به عنوان راهکار در ستاد احیای دریاچه ارومیه، مشخص نبودن هزینه های صورت گرفته بنام احیای دریاچه، متناسب

خدمتکاران اسرائیل در ایران!

امیر هاشمی مقدم

کلیپ و عکس‌هایی پخش شده که نشان می‌دهد دو روز پیش عده‌ای افراطی رفته‌اند جلوی زیارتگاه استر و مردخای در همدان و پرچم اسرائیل را آتش زده‌اند. یعنی جلوی یکی از زیارتگاه‌های مورد احترام یهودیان ایران. این رفتار نابخردانه از یکسو تعرض به مقدسات یهودیان، به‌عنوان یکی از ادیان الهی و رسمی بر پایه قانون اساسی است و از سوی دیگر متهم کردن یهودیان کشورمان به هم‌دستی با اسرائیل. یهودیان ایرانی یکی از شریف‌ترین مردمان این سرزمین‌اند که تاکنون زبان‌شان به کسی نرسیده و رد پای‌شان در هیچ خراب‌کاری‌ای کشف نشده است. در عوض می‌توان به فهرست بلند بالای خدمات‌شان به این کشور در طول تاریخ پرداخت که پیشکش کردن شهدای یهودی در جنگ تحمیلی و البته کمک‌های فراوان جامعه یهودیان ایران به رزمندگان ایرانی در جنگ جزو آخرین موارد است. جالب آنکه یهودیان ایرانی جزو قدیمی‌ترین ساکنان این سرزمین‌اند که پیشینه حضورشان در ایران به ۲۵۶۲ سال پیش (۵۳۹ پ. م)، یعنی زمان آزادی‌شان از چنگ پادشاه بابل توسط کوروش بزرگ می‌رسد که بسیاری‌شان ترجیح دادند همراه کوروش به سرزمین‌های آن روزگار ایران بیایند. به راستی چند نفر از ما می‌دانیم که چند نسل پیش‌مان چه کسانی بودند و از چه زمانی ساکن این خاک و سرزمین مقدس بوده‌ایم؟ پس از تشکیل حکومت اسرائیل نیز علی‌رغم همه تطمیع و وعده‌هایی که از سوی اسرائیل دریافت کردند، حاضر به ترک میهن‌شان نشدند. اگرچه عده زیادی‌شان هم رفتند و شهروند اسرائیل شدند، اما آیا رفتارهای همین انگشت‌شمار افراط‌گرایان به ظاهر مسلمان یکی از عوامل این ترک میهن‌شان نبود؟ زیارتگاه استر و مردخای پیش از این نیز شوربختانه مورد بی‌حرمتی قرار گرفته بود و باز شوربختانه‌تر، موارد مشابه دیگری نیز در این زمینه داریم. برای نمونه «استراخاتون»، آنگونه که مسلمانان می‌نامندش، یا «سارایت‌آشر»، آنگونه که خود یهودیان می‌نامندش، یکی از قدیمی‌ترین آرامگاه‌های یهودیان اصفهان در جنوب این شهر است که آنجا هم بدبختانه از دست نادان‌های افراطی در امان نیست و هر گاه تنش میان ایران و اسرائیل بالا می‌گیرد، روی دیوارهای این آرامگاه تاریخی شعارهایی علیه اسرائیل می‌نویسند. واقعا ناگاهی و نادانی تا اینجا که نتوانی میان فرقه صهیونیسم و آیین یهود تمایز قائل شوی؟ اینها از رهبری جلودرند که بارها تأکید کرده حساب یهودیان ایران و جهان جدا از حساب اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌هاست؟ اتفاقاً حضور یهودیان در ایران خود نشان‌دهنده‌ای است از هم‌زیستی تاریخی مسلمانان و یهودیان (و دیگر ادیان الهی) در کنار یکدیگر. اما آیا این رفتارهای افراطی خدمت به اسرائیل برای اثبات ادعای بی‌پایه و اساسش مبنی بر یهودی‌آزاری در ایران نیست؟ آیا این چراغ سبزی‌نشان دادن به اسرائیل نیست مبنی بر اینکه ما چند نفر انگشت‌شمار در اینجا افراطی‌گری می‌کنیم تا تو بتوانی پرونده درستی کنی علیه کل ایران؟ در روزهای اخیر شاهد سکوت بخش قابل توجهی از روشنفکران، نویسندگان، هنرمندان و افراد مشهور ایرانی درباره حملات رژیم تا دندان مسلح اسرائیل به مردم بی‌گناه غزه بوده‌ایم (برخلاف بسیاری از هم‌فکران‌شان در دیگر کشورها. دست کم در ترکیه می‌دانم موضع‌گیری روشنفکران و مردم خیلی پر رنگ‌تر از ایران است). آیا یکی از دلایل این سکوت، ترس‌شان از انتقادات جامعه نیست که با برچسب «از خودشونه» اینها را نیز کنار افراطیونی بنشانند که در این فیلم می‌بینیم؟ نکته عجیب اینکه ماموران نیروی انتظامی آنجا ایستاده و فقط تماشا می‌کنند؟ آیا این رفتار افراطی‌ها کنار زیارتگاه یهودیان، مصداق بارز اخلاخ در نظم عمومی، تعرض و توهین به اماکن مقدس ادیان رسمی و سلب آرامش شهروندان این کشور نیست؟ نهاد‌های مسئول و متولی اگر واقعا به فکر منافع و مصالح ملی هستند باید با چنین مواردی برخورد قانونی و بدون کمترین ملاحظه‌ای داشته باشند.

انصاف‌نیز



دها هزار نفر در سراسر جهان علیه جنایات رژیم اسرائیل به خیابان آمدند

بیداری انسانی تظاهرات جهانی



مسلمان معبودی

آنچه که این روزها در بسیاری از کشورهای جهان شاهدیم بی‌قراری جانهای مانده است. آنها که خون همنوع را تاب نمی‌آورند و از دنیایی که سیاست‌بازان ساخته‌اند به تنگ آمده‌اند. فرقی نمی‌کند در لندن و میامی یا ناپل و پاریس؛ در بسیاری از شهرهای جهان مردمان علیه کشتار و جنایات بشری رژیم اسرائیل به خیابان آمده و خواهان توقف این وحشی‌گری هستند. این حد از خونریزی و جنایت در کنار روشن شدن این سطح از روایت‌های جعلی و ساختگی که ماشین تصویرسازی غرب خاصه اسرائیل منتشر میکند تا کنون سابقه نداشته. فروریختن دیوارهای شیک حقوق بشری که غرب به آن می‌بالید و بدان فخر می‌فروخت از پسمادهای طوفان الاقصی است. شاید هیچ زلزله یا پدیده سیاسی نمی‌توانست تا این حد این گونه پرده‌ها را فروببندازد و چهره‌ی

غیرانسانی و به شدت مدعی کشورهای به‌ظاهر «پیشرفته» را عیان سازد. آنچه که در سطح افکار عمومی در حال رخ دادن است را می‌توان به نوعی «بیداری انسانی» دانست. اتفاقاً در جهانی که بخش نه چندان کمی از افکار عمومی گرفتار مسخ‌شدگی رسانه‌ای شده‌اند، بوسیله‌ی همین شبکه‌های اجتماعی تناقض و زبونی روایت‌های برساخته‌ی رسانه‌های جریان اصلی بیش از پیش عیان گشته است. آن دیوارها و سقف‌های بلندی که دست‌نیافتنی و عبورنشده‌ی به نظر می‌رسیدند حالا دیگر حقیر و ناچیز به چشم می‌آیند. کاسبان انسانیت، مدعیان جعلی حقوق بشر شبیه همان جانپان اسلحه‌به‌دستی هستند که البته با دوربین و صدا به مغز و قلب مخاطب شلیک می‌کنند! روزهای تلخی است. آسان نیست تحمل تصاویر پشت هم از خانه‌های ویران‌شده و پدران و مادرانی که جسم نیمه‌جان فرزندان‌شان را به

نگاه

هولوکاست غزه!

صابر گل‌عنبری

بمباران بیمارستان کلسای معمدانی در نوار غزه و قربانی شدن بیش از ۵۰۰ نفر که بیشتر آن‌ها زن و کودک هستند، هولوکاست و قتل جمعی است که در برابر دیدگان مردم جهان در عصر فراسانه رخ داد. تصاویر اجساد تکه‌تکه شده کودکان خردسال و بیماران و مجروحان و مردم پناه گرفته در محوطه بیمارستان و ناله‌های کودکان مجروح واقعا تکان دهنده و هولناک است.

این واقعه دلخراش که به‌صورت زنده در شبکه‌های پر مخاطب همچون الجزیره پوشش داده شد، شبانه‌دها هزار نفر را در کرانه باختری و قدس و پایتخت‌های عربی و اسلامی به خیابان‌ها کشاند. نتانیاهاو پس از واکنش‌های تند و سریع دولت‌ها و ملت‌ها نسبت به این واقعه برای گریز از پاسخگویی این رسوایی حتی نزد متحدان خود، مدعی شده که اسرائیل دست نداشته است اما اخبارهای متعدد به این بیمارستان و ۵ بیمارستان دیگر در غزه برای تخلیه طی چند روز اخیر خود گواهی بر تصمیم تل آویو برای بمباران بیمارستان دارد. کما این که سخنگوی ارتش اسرائیل هم دقایقی بعد از بمباران گفته است که ما هشدار دادیم که بیمارستان تخلیه شود. اما واقعیت این است که این تخلیه هم با توجه به شرایط ناگوار انسانی منطقه غزه امکان‌پذیر نبوده است و همه مراکز درمانی و بیمارستان‌ها مملو از مجروحان و بیماران است و امکان جابجایی حدود هزار مجروح و بیمار در این بیمارستان عملاً وجود نداشته است.

تصاویر دلخراشی که از عدسی دوربین‌های خبری

از نوار غزه به جهان مخابره شد و واکنش‌های گسترده‌ای را تا این لحظه به دنبال داشته است، می‌تواند در جنگ کنونی را علیه اسرائیل برگرداند. در واقع آن تصویر مظلومانه‌ای را که اسرائیل بعد از حمله حماس در جهان درباره خود برای همراه کردن غرب و افکار عمومی جهان در جنگ ترویج می‌کرد، با تلخ این روزهای غزه در نتیجه بمباران بی‌سابقه و بی‌امان این منطقه خنثی شده و رنگ باخته است. در مقابل هم اسرائیل را در معرض محاکمه افکار عمومی جهان و آمریکا و اروپا را در تنگنای بیشتری قرار خواهد داد.

بمباران بیمارستان غزه در شب نشست چهارجانبه امان با مشارکت سران اردن، آمریکا، مصر و فلسطین اقدامی نیست که بی‌حساب و کتاب و کورکورانه صورت گرفته باشد. اسرائیل می‌دانست که تعداد زیادی مجروح و بیمار در این بیمارستان بستری هستند و خانواده‌ها اعم از زنان و کودکان از شر بمباران گسترده به محوطه بیمارستان پناه آورده‌اند و از این رو چنین حمله‌ای صدها کشته و زخمی بر جای خواهد گذاشت، با این حال این بمباران صورت گرفت. اما چرا دست به این اقدام زد؟

بعید نیست که یک هدف احیای معادله نامتوازن یک‌کشته اسرائیلی در مقابل ۵ الی ۱۰ فلسطینی و حتی بیشتر باشد و در این خصوص هم، احتمالاً نتانیاهاو تصور کرده است که با توجه به بالا گرفتن انتقادات بین‌المللی از روند تصاعدی بی‌سابقه قربانیان فلسطینی در روزهای اخیر (۳۰۰ نفر در روز) و شاید پس از سفر جو بایدن به منطقه (فردا چهارشنبه) دیگر چنین فرصتی برای قتل یکجای این تعداد فلسطینی برای تحقق هدف پیشگفته فراهم نشود. البته ناگفته‌ها ماند که بعید نیست

بیمارستانی می‌رسانند تا بلکه زنده بماند. اما در کنار این جنایات باید دید که امپراطوری رسانه‌ای غرب و تصویر انسان دوستانه‌ای که از خود ساخته بود و پش را می‌داد هم در حال ترک خوردن و فروپاشیدن است. حالا دیگر علامت سوال‌های زیادی در بسیاری از اذهان ایجاد شده و خیل‌های از خواب بیدار شده یا خواهند شد. در کنار تلخی‌ها این «بیداری انسانی» را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ سیاسی جهان در نظر گرفت. شاید اینها قدم‌هایی از طوفان‌های بزرگ‌تر پیش رو باشد. طوفان‌هایی که پشت هم علیه جهان آلوده و به سود جانهای بیدار از راه خواهند رسید... هر خونی که می‌ریزد- فرقی نمی‌کند کجای زمین باشد- اساس و پایه ساختارها و روش‌های به ناحق بنیان شده را به لرزه درمی‌آورد چرا که خون بیدارکننده است و جانی که می‌رود جانهای مانده را بیدار می‌کند.

اتفاق امشب دولت اردن را با توجه به هشتم گسترده مردم این کشور در معذورت شیدی قرار دهد و سفر بایدن و این نشست لغو شود. در کنار آن هم، به‌نظر می‌رسد که بمباران بیمارستان معمدانی تکه دیگری از پازل وحشتی است که اسرائیل درصد تکمیل آن در نوار غزه با هدف وادار کردن دو میلیون نفر ساکن آن برای فرار به مصر و تخلیه این منطقه برای تحقق غایت جنگ یعنی نابودی حماس است؛ آنها هم پس از مخالفت گسترده قاهره و امان و دیگر پایتخت‌های عربی با طرح کوچ اجباری و پذیرش آوارگان غزه. در واقع این هم سیاست کهنه‌ای است که سازمان‌های تندروی هاگانا و اشیرین قبل از تشکیل اسرائیل در پیش گرفتند و موفقیت‌آمیز هم بود. اما امروز در عصر انفجار اطلاعات و سوشیال میدیا و همچنین عبرتی که خود فلسطینی‌ها از گذشته گرفته‌اند، دیگر امکان‌پذیر به‌نظر نمی‌رسد؛ هر چند تعداد قربانیان معمدانی از حیث عدد بیش از دو برابر قتل عام روستای دیر یاسین در سال ۱۹۴۸ است.

اما فاجعه بیمارستان معمدانی با توجه با تازات منطقه‌ای و جهانی گسترده آن در صورت تداوم خشم عمومی در منطقه، هم می‌تواند احتمال شعله ور شدن کل منطقه و گسترش جنگ را بالا ببرد و هم به تبع آن، نگرانی فزاینده نسبت به خروج اوضاع از کنترل می‌تواند مراکز تصمیم‌گیری در آمریکا و اروپا و منطقه و غرب را به این جمع‌بندی برساند که تا دیر نشده به دنبال راه‌حلی برای پایان این جنگ و توقف حملات اسرائیل باشند تا از وقوع این انفجار در منطقه پیشگیری شود.

به هر حال، باید منتظر ماند و دید که این تراژدی هولناک به‌عنوان تحولی مهم در مسیر جنگ کنونی در جهت گسترش آن عمل خواهد کرد یا توقف آن.

«نشست تخصصی اکوسیستم تئاتر با حضور جمعی از تهیه‌کنندگان»

الزام به تشکیل صنف تهیه‌کنندگان تئاتر



محمد دانشور



چندی است انجمن مدرسان خانه‌ی تئاتر، سلسله نشست‌های تخصصی با محوریت یکی از اساسی‌ترین موضوعات این روزهای تئاتر ایران، یعنی ضرورت ساخت و ایجاد «اکوسیستم تئاتر» به دبیری «آرمان طبران» (نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر) و «هادی سالاروزی» (مترجم و نمایشنامه‌نویس)، با حضور علاقمندان، مدرسان و دیگر کارشناسان و محققان هنرهای نمایشی برگزار می‌شود. تا کنون «تهیه‌کنندگان؛ منافع مشترک» از مهم‌ترین موضوعاتی بوده که ذیل موضوع اقتصاد تئاتر و ایجاد اکوسیستم تئاتر، بدان پرداخته شده است؛ چرا که بدیهی است تهیه و تولید هنرهای جمعی نمایش و سینما، و همچنین ضرورت نگاه صنفی و دریافت نقاط مشترک میان جمعیت مذکور، نقش بسیار اساسی در این راستا ایفا می‌کنند. در ادامه مروری مجمل خواهیم داشت به خروجی حاصل از فرایند این نگاه جمعی، با دیدگاه‌های منکثر، و نقل به مضمون همراه با تحلیل هم‌زمان اصلی‌ترین این نگاه‌ها (با حفظ وفاداری به ظرفیت اصلی هر گفتار).

۱ «آرمان طبران» نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر؛ وقتی درباره‌ی تهیه‌کنندگی در تئاتر حرف می‌زنیم، نخستین مقوله‌ای که به ذهن می‌رسد، مقوله‌ی اقتصاد تئاتر است؛ به این معنا که علی‌القاعده قرار است پیگیر جنبه‌های تجاری آن باشیم. به نظر می‌رسد تهیه‌کننده به عنوان سرمایه‌گذار در تئاتر نقشی کلیدی در جامعه‌ی تئاتر امروز کشور دارد و به‌عنوان یکی از شریکان اصلی و عمدۀ در این چرخه، نقشی غیرقابل انکار دارد. چنانچه این چرخه کمی هم معیوب باشد، اما اثر تولید شده مورد اقبال عمومی قرار

بگیرد، آن ضعف یا نقصان در چرخه‌ی اقتصادی، از محل فروش اثر جبران خواهد شد.

۲ «آزاده ابراهیم‌زاده» دکترای مدیریت استراتژیک (HSBA) از دانشگاه هامبورگ آلمان و مدیرعامل آساقیلم؛ رئیس کارگروه فرهنگی ستاد سمن‌های شورای شهر تهران؛ «اگر ما تئاتر را به مثابه یک خدمت فرهنگی تلقی کنیم، با بررسی شرایط کنونی تئاتر کشور به این نتیجه می‌رسیم که متأسفانه امروز، جریان تئاتر ما روبه موقفیت حرکت نمی‌کند. در واقع خدمت فرهنگی مورد نظر شکل قابل‌انگیزی ندارد. ما برای رسیدن به جریان موفق تئاتر در کشورمان لازم است به تمامی معاهدات بین‌المللی که شامل حقوق مؤلف (هنرمند) و از سوی دیگر سرمایه‌گذار تهیه‌کننده است، متعهد باشیم. ما موظفیم معاهده‌ی پاریس، معاهده‌ی ژنو و دیگر معاهداتی از این دست که در آن مشارکت داریم و شامل ثبت مالکیت هنری و مؤلفه‌های تجاری‌سازی آثار هنری می‌شود را کاملاً رعایت کنیم. در چنین شرایطی است که فرآیند ایده تا مرحله‌ی اجرا، فرایندی خواهد بود که سرانجام منجر به آورده و نقدینگی خواهد شد. اما متأسفانه به دلیل عدم رعایت معاهدات بین‌المللی است که هنوز تئاتر کشور فرآیند صنعتی و تجاری‌سازی را طی نکرده. از سوی دیگر، نگرش جامعه‌ی تئاتری نیز لازم است تغییر کند؛ تهیه‌کننده نباید تنها به مثابه سرمایه‌گذار و کیف پول دیده شود. امروزه در دنیا حرف اول را تهیه‌کنندگان می‌زنند؛ به رغم این آگاهی، امروز در تئاتر کشور ما تهیه‌کننده عنصری تنهاست؛ در حالی که او باید برای برقراری توازن و سالم‌سازی اکوسیستم درست در فعالیت تئاتری خود، سیستمی برای تهیه‌کنندگی داشته باشد و جریان یافتن آن را در رگ‌های تئاتر، تعریف و تنظیم کند.

۳ «سامان خلیلیان» نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده؛ دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی و مدرس دانشگاه؛

اکوسیستم در معنا، چرخه‌ی منظم زیست تعبیر می‌شود. اکوسیستم یعنی نظم و ساختار و مهندسی مشخص و معین! اما با توجه به این مهم که همه‌ی مباحث تئاتر کشور مهندسی نشده و نامنظم هستند؛ در واقع این گفتار، به جای ورود به چرخه‌ی تهیه‌کنندگی به شکل عملیاتی، تنها به ادبیات گفتاری تئاتر ما وارد شده. از این رو چرخه‌ی مورد نظر کاملاً دچار نقصان است. این در حالیست که تهیه‌کنندگی در جهان امروز، رسمیت‌شغلی و قوانین مفصل و خاص خود را دارد. تهیه‌کنندگی در تئاتر ایران متأسفانه هیچ توجیه اقتصادی ندارد و از اساس، نگاه ما به حوزه‌ی تهیه‌کنندگی اشتباه بوده است؛ ما تنها چهار کلمات شده‌ایم و حتی به بار معنایی و حقوقی واژه‌ها واقف نیستیم. با این اوصاف، دست کم راهی که بتواند ما را در مسیری قرار دهد که آرام‌آرام به کارکردهای درست اکوسیستم اقتصادی در تئاتر نزدیک شویم، پیش روی جدی به سمت سازمان دادن صنف تهیه‌کنندگان در تئاتر کشور است؛ صنفی ساخته شود که بتوان زیرساخت‌های قانونی مشخص و معین، برای ساز و کار فعالیتشان تعریف کرد. آنگاه است که شاید بتوان انتظار داشت، شاهد تشکیل کمپانی‌های تئاتر در ایران باشیم که رمز توفیق کار حرفه‌ای با استاندارد بین‌المللی، و نیز تأمین منافع و منابع درست اقتصادی برای اکوسیستم عملی برای تئاتر ماست.

۴ «مسعود والا» پرکارترین تهیه‌کننده در حوزه‌ی تئاتر در دو سال اخیر؛ من یک تاجر هنری هستیم؛ در ۶ ماهه‌ی نخست سال ۱۴۰۲، پنج نمایش تولید کرده و روی صحنه

برده‌ام؛ نمایش‌هایی با مضامین مختلف و ساز و کارهای مختلف؛ در همه‌ی آن‌ها موفق بودم به جز یک نمایش! متأسفانه آرتیست‌های ما عدد و ارقام را در ماشین حساب تئاتر نمی‌دانند. شرایطی هست که باعث می‌شوند یک نمایش، مسیر اجرای خود را در راستای سودآوری طی کند. من سود خود را در یک پروژه‌ی یکساله و سپید محصولات خود می‌بینم نه در یک اثر. شاید این همان سرمایه‌گذاری پایدار است که توسعه‌ی پایدار را منجر خواهد شد. امروز متأسفانه تئاتر ما با فقر نمایشنامه مواجه است. انتخاب نمایشنامه‌ی خوب، به عنوان هدف نخست، و در ادامه باید زمان اجرای مناسب اثر، سالن مناسب اجرا، چیدمان درست بازیگران و تمام عوامل، همه و همه در شکل‌گیری اکوسیستم، اثرگذار است. اگر در پی توسعه در تئاتر هستیم، چنانچه به دنبال اقتصاد پایداریم، باید به سمت ساخت و تأسیس کمپانی‌های تئاتر حرکت کنیم. خود من بسیار تلاش کردم کاری برای این بنیان‌گذاری انجام دهم، اما در بطن و روند کار دریافتیم هیچ نهاد، صنف و قانونی نیست که حقوق مادی و معنوی کمپانی تئاتر را استیفا کند. شاید امروز بیش از همه نیازمند تشکیل یک صنف قانونی برای پیگیری مطالبات تهیه‌کنندگان تئاتر هستیم. بسیاری از دوستان من هم (در عرصه‌ی تجارت) منتظرند تا سرانجام تلاش و سرمایه‌گذاری و کار مستمر من را در تئاتر ببینند تا در شرایط مناسب بخشی از سرمایه‌ی خود را وارد این حوزه کنند. مشکل اصلی تئاتر کشور ما امروز، سرمایه‌ی در گردش است. لازم است زیرساخت‌های قانونی برای فعالیت تهیه‌کنندگان تئاتر، به شکل جدی‌تری از سوی اهالی صنف تهیه‌کنندگان شکل بگیرد؛ صنف‌داری و جاهت قانونی کامل باشد و بتواند از اعتبار اعضای خود دفاع کند. پانوشت؛ همچنان این سلسله جلسات با موضوعاتی ذیل اکوسیستم در تئاتر ادامه دارند؛ و ما نیز از مناظر دیگری به اقتصاد تئاتر و اساساً اقتصاد هنر، خواهیم پرداخت...

گزارش

صنعت گردشگری عامل ۵ درصد تولید ناخالص داخلی و ۶ درصد اشتغال کشور است

پیام باقری | نائب‌رییس اتاق ایران

منحنی رشد گردشگری در کشور را صعودی و سهم اشتغال ایران از این صنعت گسترده ۶ درصد است که به همین دلیل اقبال به سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری را توسط فعالان و متقاضیان این حوزه افزایش داده است. این ظرفیت و صنعت به جهات مختلف یکی از پیشران‌های اقتصادی در جهان و از جمله در ایران است و بر همین اساس باید توسعه آن مورد توجه قرار گیرد. ثروت‌آفرینی و خلق ارزش افزوده، اشتغال‌زایی و زنجیره تولید و تأمین گسترده‌ای که در صنعت گردشگری وجود دارد، حتی تا اقتصاد خانوار را هم تحت الشعاع قرار می‌دهد، یکی از مزیت‌های توسعه این صنعت است که باعث می‌شود بلافاصله معیشت خانوارها و وضعیت صنایع کوچک و متوسط که به نوعی درصد قابل توجهی از اقتصاد دنیا بر دوش آنهاست، با بهبود توجه مواجه شود.

صنعت گردشگری به واسطه همین ویژگی‌ها، اینگونه برای کل جهان اهمیت پیدا کرده است. شعاری که سازمان جهانی گردشگری در سال جاری میلادی با نام گردشگری، اقتصاد سبز در نظر گرفته است، شعار تاکیدی بر مفاهیم اصلی

در سه حوزه مردم، رفاه و سیاره زمین است و اینکه ما به عنوان کسانی که جلودار صنعت هستیم باید خودمان را با الگوهای بین‌المللی، جهانی، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در این رویکردها منطبق کنیم. بنا به آمار شورای جهانی سفر و گردشگری، سهم گردشگری از تولید ناخالص داخلی جهان ۷٫۶ درصد معادل ۷٫۷ تریلیون دلار است که عدد قابل توجهی محسوب می‌شود.

صنعت گردشگری ۹ درصد از اشتغال دنیا را به خود اختصاص داده و در ایران نیز سهم این صنعت از GDP حدود ۵ درصد با رقمی بالغ بر ۴۵۰ هزار میلیارد تومان و سهم این صنعت از اشتغال‌زایی در کشور حدود ۶ درصد است؛ به همین دلیل اقبال به سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری را توسط فعالان و متقاضیان این حوزه افزایش داده و منحنی رشد گردشگری در کشور صعودی است.

در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران نیز توجه ویژه‌ای به گردشگری داریم و وظیفه و مسوولیت سنگینی را برای خودمان احساس می‌کنیم که حتماً در راستای توسعه صنعت گردشگری

به عنوان نماینده بخش خصوصی گام‌های اساسی برمی‌داریم. در کمیسیون‌های بیست‌گانه اتاق ایران، کمیسیون گردشگری از بخش‌های فعال اتاق است و همین روند و جدیت را به جهت نیازی که به شبکه‌سازی در صنعت گسترده گردشگری داریم، در اتاق‌های استانی نیز به عنوان یک مأموریت دنبال می‌شود.

توسعه کسب و کارهای نوین با رویکرد اقتصاد خانوار و اقتصادهای کوچک و متوسط، یکی دیگر از مأموریت‌های بخش خصوصی است به این جهت که گردشگری یک صنعت رو به رشدی است و ما باید همگام با رشد آن در دنیا، به پیش برویم.

ایرانی‌ها بازنده همه کشورهای دنیا هستند. ارتباط اتاق بازرگانی با مراجع ملی، بین‌المللی و مراجع علمی فرهنگی و مهم‌تر از همه شناسایی موانع گردشگری و رفع آن با کمک مسوولان، تدوین قوانین پشتیبان در جهت تسهیل فرآیندهای فعالان بخش خصوصی، توریسم سلامت و رتبه‌بندی و ارزیابی مراکز گردشگری برای سرویس دهی بهتر به میهمانان در ارتقای صنعت گردشگری حائز اهمیت است.

رژیم اشغالگر از کجا نفت می خرد؟

سیدمهدی حسینی | کارشناس ارشد حوزه انرژی

در ارزیابی ریشه نفتی جنگ غزه و رژیم صهیونیستی اعتقاد بنده بر این است که نقش و جایگاه خاورمیانه به مفهوم اینکه مرکز انرژی دنیاست با وجود تولید بالای آمریکا و روسیه، گازی که در استرالیا اکتشاف شده و آسیای شرقی را تغذیه می کند، ذخایر دریای شمال، خلیج مکزیک، سبیری و همچنین سرمایه گذاری های هنگامی که روی انرژی های تجدیدپذیر می شود، کم رنگ شده است. صحنه جدید انرژی و نقش خاورمیانه در دهه های آینده نفت و گاز در خاورمیانه چندان مسئله دنیاست که بخواهند به خاطر آنها جنگ برآیند بنابرین معتقد نیستم موضوع جنگ در غزه مرتبط با نفت است. اکنون کشور انگلستان در حوزه تجدیدپذیرها هدف تعیین و اعلام کرده که از ۲۰۳۰ به بعد تنها اتومبیل های برقی کار می کنند، بنابرین کشورها اهدافی تعیین و زمان بندی کرده اند که خودروهایی با سوخت های فسیلی از دور خارج شوند، به عبارت دیگر دنیا به خاطر مسائل زیست محیطی روی حذف سوخت های فسیلی تمرکز کرده و سرمایه گذاری های سنگینی روی انرژی های نو انجام داده است. نتیجه اینکه مجموعاً اهمیت منابع انرژی خاورمیانه مانند قبل نخواهد بود و سرمایه گذاری هادر انرژی های نوبیشتین سهم را از زغال سنگ می گیرد زیرا بسیار آلاینده است و بعد از آن بخشی از سهم نفت را می گیرد البته گاز همچنان در دهه های آینده نقش اساسی خواهد داشت و این صحنه جدید انرژی دنیا است.

رژیم اشغالگر از کجا نفت می خرد؟

عموماً کشورهای عربی ذخایر انرژی دارند و این بابت مشکلی ندارند، اسرائیل اخیراً اکتشافاتی در دریای مدیترانه داشته در ذخایر آن با لبنان شریک است اما از قبل نفت را وارد می کرد و اکنون هم وارد می کند، یک خط لوله بنام ایلات-اشکلون که در ۵۰ درصد آن نیز ایران شریک است، زمان شاه برای دور زدن کانال سوئز ساخته شد و بنا بود که نفت ایران از دریای سرخ به مدیترانه و یا شهرهای مختلف رژیم اشغالگر ارسال شود، به عبارت دیگر زیرساخت لازم در این منطقه وجود دارد و نفت را وارد می کنند، بنابرین اسرائیل برای نفت با غزه نمی جنگد زیرا اکنون نفت را از آمریکا، نروژ و انگلیس که همسایگان اسرائیل هستند دریافت می کند.

اسرائیلی ها نه نگرانی سیاسی دارند و نه پول

به طور عادی و بر اساس یک قاعده و استانداردهای معمول بیزینس؛ سرمایه جایی می رود که در دسترس نباشد و امنیت جود داشته باشد اما موضوع اسرائیل سیاسی است، صرف نظر از این که این رژیم هیچگاه پول نموده همه مسائل این رژیم سیاسی بوده و اگر به جایی برسد که بنا باشد خیلی سریع از این میدان گازی برداشت داشته باشند و یا کار اکتشافی بیشتری انجام دهند معطل سرمایه نخواهند ماند و این سرمایه از طریق متحدینش از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا حتماً تأمین می شود، بنابرین هیچگاه نگران تأمین سرمایه نیست و ضمن اینکه بابت اقداماتی هم که انجام می دهد نگرانی سیاسی نداشته و خواهد داشت، در هر حال اگر چه سرمایه جایی می رود که امن باشد اما سرمایه هایی هم هستند که برای اهداف سیاسی سرمایه گذاری می شوند ولو اینکه حتی از بین بروند چون هم سرمایه گذار و هم سرمایه پذیر به هدف سیاسی که دنبال آن هستند، دست می یابند.



قدرت های بزرگ گازی در یک بلوک ایجاد اوپک گازی توسط ایران و روسیه

می شود. بنابرین، روسیه در پروژه های تولید گاز خود در ایران پذیرفته خواهد شد. صحبت از دوازده میدان در منطقه بزرگ نفت و گاز، عسلویه در ساحل خلیج فارس است. تولید مشترک گاز، منبع لازم برای افزایش صادرات به هند و سایر کشورهای آسیایی را فراهم می کند. از این نظر، ایده توسعه مشترک بندر چابهار ایران که به اقیانوس آزاد دسترسی دارد، فوق العاده جذاب به نظر می رسد. به طور بالقوه، این بندر آبی عمیق می تواند، تانکرهای بزرگ LNG را دریافت و ارسال کند. اما، ابتدا باید بودجه قابل توجهی در زیرساخت های بندری و لایروبی سرمایه گذاری شود. هند نیز علاقه مند به توسعه این بندر است که منافاتی با منافع مسکو و تهران ندارد.

نقطه پایانی توسعه هاب گاز باید یک بازار گاز مشترک با مکانیسم های قیمت گذاری باشد که نه فقط به قیمت گذاری در مبادلات گاز اروپا بستگی ندارد، بلکه با پرداخت ها به ارز کشورهای شرکت کننده در کنترل انجام می شود.

وزگلیاد (روسیه) / دیپلماسی ایرانی

مشارکت و حتی یک کنترل تبدیل کند. توسعه زیرساخت ها - خطوط لوله گاز، بنادر و پایانه های مایع سازی گاز - مستلزم این نزدیکی ارضی شرکت کنندگان در کنترل آینده است. بازار گاز از این نظر، تفاوت قابل توجهی با بازار نفت دارد. حمل و نقل دریایی نفت، امکان تحویل این کالا به هر نقطه از جهان را فراهم می کند، در حالی که گاز به عنوان یک کالا، از این نظر، به دلیل حجمی که اشغال می کند چندان متحرک و راحت نیست. به همین دلیل، گاز عمدتاً در انبارهای گاز زیرزمینی به جای ذخیره سازی گاز مصنوعی در خشکی ذخیره می شود. از این نظر، پیکربندی هاب گاز پیشنهادی تهران نیز موجه به نظر می رسد. روسیه از طریق آذربایجان، حجم گاز مورد نیاز استان های شمالی ایران را تأمین می کند، در حالی که گاز ایران از مناطق مجاور پاکستان به هند ارسال می شود. مبادله سوآپ در گاز از یک جهت امیدوار کننده است که با این حال، محدودیت های طبیعی خود را دارد. اولاً، این محدودیت حجم بازار داخلی ایران است که با گاز روسیه پر می شود و خود گاز ایران صادر

پس از پیشنهاد مسکو که سال گذشته توسط ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، برای ایجاد یک هاب گاز در ترکیه مطرح شد، تهران نیز ابتکار مشابهی را ارائه کرده است. جاه طلبی ابتکار ایران به طور بالقوه بسیار فراتر از طرح ترکیه است. می توان در مورد ایجاد یک اوپک گازی تمام عیار صحبت کرد که بنیانگذاران آن - روسیه، ایران، قطر و ترکمنستان - به ترتیب رتبه های اول، دوم، سوم و پنجم را از نظر ذخایر گاز طبیعی در جهان دارند.

موقعیت جغرافیایی نزدیک این کشورها به حداکثر هماهنگی تجارت و قیمت گذاری گاز کمک می کند. ایران دارای مرز مشترک با ترکمنستان و قطر در سراسر خلیج فارس است. روسیه از طریق آذربایجان با ایران و از طریق قزاقستان با ترکمنستان همسایه است. بازارهای اصلی فروش نیز در این نزدیکی هستند؛ چین و هند. روسیه تاکنون، در بازارهای گاز آسیایی با ایران رقابت کرده است. اما، با قضاوت بر اساس آخرین ابتکارات، تصمیم گرفته شده است که رقابت را به یک

کانال یک

وقتی ایران از حاشیه به متن می آید

احیای جایگاه تاریخی ایران در قفقاز جنوبی



جهت حراست از آن شدند. این راه چند شاخه و چند رشته ای بوده و در داخل خودش ظرافت های متعدد و تنش های معناداری را پنهان کرده، اما اهمیت این راه در محاسبات راهبردی کشورمان و در چارچوب پدیده در حال شکل گیری و بسیار حیاتی کریدور یا شاهراه شمال - جنوب، واضح تر و بارزتر از آن است که رقبا بتوانند خود را به ندیدن بزنند.

بدیهی است که این شاهراه هم مفری برای عبور و مرور است و هم دارای استعداد های مستتر، برای وارد کردن ایران به بازارهای انرژی. ایران هم اکنون از مسیر جمهوری ارمنستان و تهاتر گاز با برق، بخشی از برق مصرفی کشور تأمین می کند. البته خطوط کنونی انتقال گاز نیز با وسواس ها و حساسیت های تحمیلی اولیه دوستان روس، در مقطعی که طراحی و آماده اجرا می شدند، حجم بسیار نازکی دارند و تنها برای تأمین نیازهای محدود دو کشور کفایت می کنند، در حالی که اصولاً حضور در دریای سیاه که در تعامل با جمهوری های ارمنستان و گرجستان امری کاملاً قابل حصول دست یافتنی به نظر می رسد، از اهداف دوربرد کشورمان بوده و نیازمند ایجاد زمینه ها و شرایط مناسب است. در این راه شرایط ویژه کنونی روسیه، کشوری که به عنوان هم پیمان استراتژیک قلمداد می شود بسیار حائز اهمیت است. این واقعیت که هم اکنون روسیه محاصره شده، مقادیر معتدلی از گاز خود را از طریق جمهوری آذربایجان به اروپا عرضه می کند و اروپاییان نیز از این امر بی اطلاع نیستند، در شرایط کنونی به خودی خود می تواند به عنوان ضرب اطمینان و عاملی تأثیرگذار و تسهیل گر به حساب آید.

در روزهای اخیر خبر دیدارهای مسئولین ایران و ارمنستان برای امضای قرارداد فروش گاز به ارمنستان جلب توجه می کرد. این خبر در حقیقت بدان معناست که باید خطوط جدیدی برای انتقال گاز طراحی و تعریف شوند و به اجرا درآیند. بسیار به جا و به موقع خواهد بود که در روند طراحی و اجرای این خطوط جدید، ظرفیت های احتمالی انتقال گاز

برای عرضه در بازارهای اروپایی نیز در نظر گرفته شوند. به دنبال فعال شدن هدفمند دیپلماسی ایرانی و حضور معتبر و موثر کشورمان در معادلات منطقه قفقاز جنوبی و سعی و آفری که برای تأمین منافع ملی به کار می برد، این طور به نظر می رسد که ابتکارات کشورمان برای حضور در سیونیک و افتتاح کنسولگری در این منطقه مورد توجه طرف های دیگر نیز قرار گرفته است و هم اکنون جمهوری فدراتیور روسیه و جمهوری فرانسه در تدارک افتتاح سرکنسولگری و کنسولگری در شهر قاپان، مرکز استان سیونیک، هستند. شواهد بر صحت موضع گیری های کشورمان دلالت دارند. بدون ذره ای تردید، در تداوم این تصمیمات صحیح، امر ایجاد خطوط حمل انرژی را هم باید در برنامه های عملی کشور تعریف کرد، به خصوص که ایجاد خطوط حمل انرژی به طور طبیعی هم گامی در جهت ایجاد بنگاه های اقتصادی کار آفرین خواهد بود و هم حضور ایران را در منطقه به صورت امری بدیهی و طبیعی، اقتضا خواهد کرد.

دکتر آندرانیک سیمونیان | کارشناس مسائل قفقاز

همزمان با سرعت یافتن سیر وقایع در منطقه قفقاز جنوبی، رفته رفته حضور جمهوری اسلامی ایران نیز از حاشیه امر به متن انتقال می یابد.

حذف خودخواسته ایران از معادلات منطقه قفقاز جنوبی که ریشه در نوع تلقی و برداشت مسئولین کشورمان داشت، تا به امروز حتی به از دست دادن برخی فرصت های ناب و قابل تأمل نیز منجر شده است. زنگ بیداری از جنگ ۲۴ روزه قره باغ به صدا درآورد و کشورمان با تاخیری بی معنا، در روزهای پایانی جنگ و با کشف تدریجی پیچیدگی های موجود، ناگهان خود را در برابر واقعیاتی غیر قابل چشم پوشی و مسائلی یافت که تشنه ارائه راه حل های عقلایی هستند.

پس از دوره های فطرت و بی عملی گذشته، خوشبختانه برخورد حساب شده، بر اساس تعهد در قبال منافع ملی و به ویژه برخورد های قاطع با عوامل بی ثبات کننده توازن منطقه ای، یکی پس از دیگری فرصت تجلی یافتند و ایران، اگر چه با تاخیر، به سوی تصدی جایگاه شایسته خودش در سرزمین های آشنایی که ادامه طبیعی ایران تاریخی و به ویژه پاره های همگن فرهنگ ایرانی بوده اند، خیز برداشت. قفقاز جنوبی در این برهه خاص تاریخ معاصر، در کنار همه ویژگی های دیگرش به عنوان راه و معبری که ایران را با هم پیمانان این روزهایش پیوند می دهد، معنا و مفهوم می یابد. هم قفقاز جنوبی، هم روسیه و اوراسیا در آن سوی کلیه دشواری های سیاسی و اقتصادی تحمیل شده، برای کشورمان معنای دیگری نیز دارند؛ معنایی که در سخنان مقام معظم رهبری با رهبران جمهوری فدراتیور روسیه و جمهوری ترکیه به صورت بسیار روشن و آشکار، تبلور و تجلی یافت و همه طرف های درگیر در امور جاری این خطه به وضوح و به سرعت متوجه اهمیت راه ارتباطی چند هزار ساله ایران و ارمنستان برای جمهوری اسلامی و عزم خلل ناپذیر



همگرایی

روسیه و ایران

برای ایجاد یک نظم تازه یوروآسیایی

ایران می‌تواند بسیار عملگر باشد. مقام‌های تهران شاهد بودند که چگونه روسیه در جاه طلبی خود برای تحمیل اراده اش بر اوکراین ناکام ماند و مجبور شد که به دیگر قدرت‌های منطقه یوروآسیا وابسته شود. اگر در گذشته این تهران بود که تلاش‌های بی‌حاصلی برای اجرای پروژه‌های پرشماری می‌کرد که مدت‌ها زمین مانده بودند، اکنون این روسیه است که بیشتر به ایران نیاز دارد.

در پرتوی جنگ اوکراین، کریدور بین المللی حمل و نقل شمال-جنوب که ایده آن از سال ۲۰۰۰ مطرح اما متوقف مانده بود، جان تازه‌ای گرفت. دو طرف در جولای ۲۰۲۲ قول دادند که توسعه این کریدور را دنبال کنند. ایران به راه اندازی این مسیر تا سال ۲۰۲۵ امید بسته است. تا به اینجا استفاده روبه گسترش از این کریدور به دو برابر شدن ترابری کالا منجر شده؛ از ژانویه تا مارس ۲۰۲۲، محموله‌های مبادله شده در این مسیر از ۲٫۳ میلیون تن فراتر رفت.

این کریدور که از سه شاخه اصلی شکل می‌گیرد، زمان ترانزیت از هندوستان به اروپا را کاهش می‌دهد. یک شاخه از مسیر دریای خزر، یک شاخه غربی از سواحل دریای خزر و از گذر جمهوری آذربایجان و یک مسیر هم

در آسیای مرکزی و از گذر ترکمنستان. از این گذشته این کریدور برای ایران دسترسی به ده شهر در کرانه‌های رود ولگا را باز می‌کند که یک میلیون بامی بیشتر مصرف کننده دارند. این کریدور همچنین خط تماسی را با منطقه بزرگتر آسیای مرکزی و احتمالاً بنادر آذری و نیز بنادر گرجستان در دریای سیاه باز می‌کند. با این حال، باید یادآور شد که تکمیل کریدور یادشده، هرگز قطعی نیست و عملیات توسعه آن به متغیرهای زیادی بستگی دارد که از جمله آنها تنش‌های فزاینده میان ایران و آذربایجان است.

تحلیلگران روابط ایران و روسیه، اغلب به دیگر اختلافاتی که از نظر تاریخی این روابط را مختل کرده اشاره می‌کنند. این بار اما اختلافات کمتر بروز دارند. جمهوری اسلامی ایران همیشه مخالف نظم جهانی تحت رهبری ایالات متحده آمریکا بوده اما روسیه، هر چند به غرب نگاهی از سر بی اعتمادی و حتی خصمانه دارد اما محتاط تر بوده است. با این حال، پس از یورش به اوکراین، تردیدهای مسکو کم‌ترنگ شد و دو طرف یک سناریوی رادیکال و نظامی گرایانه برای وارونه کردن سامانه لیبرال و ایجاد یک نظم واقعاً چندقطبی را در نظر دارند.

در این نظم تازه، مفاهیم حوزه نفوذ و منطقه گرایی دوباره جان می‌گیرد. در شرایطی که حوزه نفوذ روسیه از قلمروهای امپریالی پیشین این کشور شکل می‌گیرد، حوزه نفوذ ایران، همسایگی‌های بلافاصله این کشور است. هر دو در حال زنده کردن گذشته امپریالی خود هستند اما این بار به روشی عاقلانه‌تر در حال کاهش منازعه و ایجاد یک نظم متفاوتند. برای مثال، در جنوب قفقاز و دریای خزر، هر دو کشور از ایده منطقه گرایی استقبال می‌کنند. ایده‌هایی همچون ۳+۳ (ترکیه، روسیه، ایران به علاوه ارمنستان، آذربایجان و گرجستان) بازتاب همین تفکر است.

با این حال، نباید سرنوشت همگرایی ایران و روسیه را شکل گیری یک اتحاد قطعی دانست. در واقع در نظم تازه یوروآسیایی جهان که مسکو و تهران در ذهن دارند، نگاه قطعی‌ای به اتحاد‌های رسمی وجود ندارد. هر دو کشور استدلال می‌کنند که نیازی به شکل دادن به یک اتحاد عملی ندارند چرا که توانایی منورشان در دوران چندقطبی تازه را محدود می‌کند. هر دو می‌خواهند از دیگری برای تقویت چشم‌انداز خود در کسب جایگاه‌های جهانی در صحنه جهانی استفاده کنند. روسیه برای مثال، خواهان امتیازاتی

در اوکراین و پاداشی برای حمایت مداوم خود از احیای برجام است. ایران هم کمتر خواهان احیای این توافق با آمریکا است چرا که از حمایت تاکتیکی مسکو بهره‌مند است. ایران ساده لوح نیست بلکه یک رویکرد بسیار عملگرایانه را در قبال مسکو می‌بیند. از نظر تهران، روسیه تنها یک عنصر در تلاش‌های وسیع‌ترش برای ایجاد یک سیاست خارجی متنوع است که شامل تحکیم پیوندها با همسایگان یوروآسیایی و نزدیکی اخیر با عربستان سعودی می‌شود. از نظر تهران، پیوندهای نزدیک‌تر با روسیه به عنوان موقوم یک نظم واقعاً چندقطبی یوروآسیایی با توانایی فزاینده مانور و حوضچه بزرگتری از گزینه‌های سیاست خارجی ارزیابی می‌شود.

همانند پیوندهای روبه رشد روسیه با چین، همگرایی مسکو با تهران راهم باید هر چه بیشتر به عنوان یک تحول درازمدت دید. احتمالاً جنگ اوکراین تا مدتی ادامه خواهد داشت و نیز رقابت فزاینده میان آمریکا و چین و تقویت تدریجی جایگاه پکن در خاورمیانه. این روندهای عمده، تنها به تحکیم همکاری تهران مسکو و پیشرفت آن می‌انجامد.

اندیشکده استیمسون / دیپلماسی ایرانی

تربیون

بر خلاف توافق فریز نفتی با عربستان

رکورد ۴ ماهه صادرات نفت روسیه شکست

افزایش حجم صادرات، درآمد‌های هفتگی کرملین از تعرفه صادرات نفت را به رکورد بالایی در سال میلادی جاری رسانده است. هم‌زمان، میانگین صادرات چهار هفته‌ای، برای دهمین هفته متوالی افزایش پیدا کرده و رکورد جدیدی را از اواسط ژانویه تاکنون ثبت کرده است.

طبق آمار گمرکی آمریکا، یکی از دو کشتی که از سوی خزانه داری آمریکا برای حمل نفت روسیه و نقض مکانیزم سقف قیمت، تحریم شد، اجازه یافت محموله غیرروسی خود را در بندر هیوستون تخلیه کرده و این بندر را ترک کند.

صادرات نفت رشد کرده روسیه به مشتریان آسیایی از جمله محموله‌هایی که مقصد مشخصی ندارند، برای چهارمین هفته افزایش یافت. جریان صادرات این کشور در چهار هفته منتهی به ۱۲۲ اکتبر، به ۳۰۶ میلیون بشکه در روز در مقایسه با ۲۰۹ میلیون بشکه در روز در چهار هفته منتهی به ۱۵ اکتبر، افزایش یافت اما کمتر از رکورد صادرات ۳۰۶ میلیون بشکه در روز است که در ماه مه مشاهده شد. صادرات نفت روسیه به هند از رکورد بالایی که اوایل سال ۲۰۲۳ داشت، کمتر شده است.

دهلی نود برابر فشارهای شرکت‌های روسی برای پرداخت پول واردات نفت به بوان چین، ایستادگی کرده است. درآمد روسیه از تعرفه صادرات نفت در هفت روز منتهی به ۲۲ اکتبر، به ۸۰ میلیون دلار رسید و میانگین درآمد چهار هفته‌ای این کشور به ۷۷٫۸ میلیون دلار افزایش یافت که رکورد بالایی جدیدی از اواسط ژانویه تاکنون محسوب می‌شود.

روسیه با وجود توافق با عربستان سعودی برای محدود نگه داشتن عرضه نفت به بازار جهانی، صادرات نفت خود را مدام افزایش داده و رکورد ۴ ماهه خود را شکسته است.

آمار رصد نفت کش که توسط بلومبرگ مشاهده شده، حاکی از این است که حدود ۳٫۵۳ میلیون بشکه در روز نفت از بنادر روسیه در هفته منتهی به ۲۲ اکتبر صادر شده است که افزایش روزانه ۲۰ هزار بشکه‌ای در مقایسه با مدت هفت روز پیش از آن داشته است. در نتیجه، میانگین صادرات چهار هفته‌ای نفت روسیه به ۳٫۵ میلیون بشکه در روز رسیده که بالاترین میزان از ژوئن است و حدود ۶۱۰ هزار بشکه در روز افزایش در دو ماه گذشته داشته است.

رشد هفتگی اندک، منعکس کننده افزایش صادرات از بنادر روسیه در دریای بالتیک و اقیانوس آرام است که کاهش صادرات از بنادر دریای سیاه را جبران کرده است.

الکساندر نوک، معاون نخست وزیر روسیه، اوایل اوت اعلام کرد مسکو محدودیت صادرات نفت به میزان ۳۰۰ هزار بشکه در روز را تا پایان سال ۲۰۲۳ ادامه خواهد داد. طبق محاسبات بلومبرگ، صادرات از طریق بنادر روسیه اکنون باید حدود ۳۰۸ میلیون بشکه در روز باشد.

حجم صادرات چهار هفته‌ای نسبت به هدف صادرات پایین‌تر از ابتدای سپتامبر، افزایش پیدا کرده و در دوره اخیر، حدود ۲۲۰ هزار بشکه در روز فراتر رفته است.

امریکا قدرت جدید را به رسمیت بشناسد

حرکت چین به سمت خاورمیانه



کنترل می‌شود. بدون خاورمیانه که شامل خلیج فارس، شمال آفریقا با منطقه مدیترانه و آسیای مرکزی در مجاورت آن است، این هدف دست نیافتنی است. در واقع، این منطقه دارای موقعیت جغرافیایی استراتژیک، دارای ذخایر عظیم انرژی، زیرساخت‌های حمل و نقل معقول، نویدبخش برای تجارت از نظر سرمایه‌گذاری و سود و همچنین، منطقه‌ای عالی برای رونق تجارت چین است.

خاورمیانه نیز مانند سایر نقاط جهان در حال ورود به عصر جدیدی است. ترن پارسی، شرق شناس آمریکایی در مؤسسه کوئینسی، می‌نویسد: حداقل، واشنگتن باید از قبل بپذیرد که کشورهای بیشتری از گذر به نظم جهانی جدید که در آن چین سهامدار اصلی است، استقبال می‌کنند. تلاش برای معکوس کردن این روند ژئوپلیتیکی فقط باعث تضعیف بیشتر امریکایی‌نژاد جهانی خواهد شد. بهترین گزینه برای واشنگتن این است که خود را با این واقعیت وفق دهد و راه‌هایی را برای همکاری با چین برای ایجاد سیاره‌ای با ثبات‌تر بررسی کند. جایی که تمرکز مای تواند، به طور فزاینده‌ای از درگیری‌های بین کشورها به مشکلات جهانی انسانی تغییر کند که همه در حل آنها سهم دارند. بنابراین، در سال ۲۰۲۳، چین در برابر جهان به عنوان یک قدرت جهانی، مسئول و عاقل‌مندی به تغییر «قوانین بازی» موجود در خاورمیانه و در کل جهان ظاهر شد. هدف اعلام شده‌اش چین پینگ‌پانگ بازی، ترویج شکل گیری «بشریت با سرنوشت مشترک» است.

اینتر افیرز - دیپلماسی ایرانی

در سال ۱۹۷۶، مائو تسه تونگ درگذشت.

تقریباً بلافاصله پس از آن، مرحله متلاطم، اما

دشوار تحول در چین آغاز شد. دنگ شیائوپینگ پدر معجزه اقتصادی چین است که اصلاحات بازار را در این کشور انجام داد و پیروانش جیانگ زمین و هو جینتاو تحولات عظیم و اساسی را در کشور انجام دادند. تولید ناخالص داخلی چین - شاخص اصلی اقتصادی که هزینه کل خدمات ارائه شده و محصولات تولیدی در این کشور را

مشخص می‌کند، طبق گزارش صندوق بین المللی پول، در سال ۲۰۲۲ به ۱۸٫۳ تریلیون دلار رسید. پتانسیل مالی قابل توجه چین نه فقط امکان سرمایه گذاری فعال در حوزه‌های تجاری، اقتصادی و نظامی خود، بلکه صدور وام به کشورهای خارجی و ارائه کمک به آنها را نیز ممکن می‌سازد. بنابراین، به گفته کارشناسان، ارزش کل سرمایه گذاری خارجی چین از سال ۲۰۰۵ تاکنون ۲٫۲۷ تریلیون دلار است.

به گفته تحلیلگران، چین در حجم وام‌های صادر شده به کشورهای در حال توسعه از ایالات متحده آمریکا پیشی گرفته و در صدر رتبه بندی قرار گرفته است. از سال ۲۰۰۰، پکن حداقل ۲۴۰ میلیارد دلار کمک مالی به ۲۲ کشور از جمله آرژانتین، پاکستان و نیجریه کرده است. بیش از ۴۰ سال است که چین در حال ایجاد و انباشت قدرت اقتصادی است

که امروزه، به برابری با امریکا و حتی برتری در برخی زمینه‌ها را فراهم می‌کند. اکنون، زمان آن فرا رسیده است که امپراتوری آسمانی وارد فضای جهانی شود و توانایی‌های خود را به جهان خارج نشان دهد و منافع ملی خود را مطرح کند. شی جین پینگ، رئیس جمهوری چین، با تثبیت پایه‌های قدرت خود در کشور، توانست چین را به مرحله سوم توسعه تاریخی منتقل کند. این امر با ابتکار رهبری چین «یک کمربند، یک جاده» آغاز شد که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد. هدف این پروژه، اتصال آسیا، اروپا و آفریقا با کمک شبکه‌ای از بنادر، راه‌آهن، بزرگراه‌ها و سایر پروژه‌های زیرساختی تحت حمایت چین و ایجاد یک سیستم حمل و نقل، مالی و اقتصادی جهانی قدرتمند است که توسط چین

صنایع انرژی بر موظف به احداث هزار مگاوات نیروگاه شدند



به گفته سخنگوی صنعت برق با اجرای این طرح نه تنها به شبکه سراسری برق کشور کمک خواهد شد، بلکه صنایع نیز برق مطمئن برای تولید خواهند داشت و اتفاقات خوبی در حوزه تجدیدپذیرها رقم می خورد. رجبی مشهدی با اشاره به پتانسیل های ایران در حوزه توسعه انرژی های تجدیدپذیر، گفت: توسعه تجدیدپذیرها در ایران نیازمند سرمایه بود که با ورود بخش صنعت به این حوزه می توان به توسعه انرژی پاک امیدوار بود.

ظرفیت این نیروگاه ها وارد مدار شد و انتظار می رود که تا سال آینده این مقدار به ۱۷۱۲ مگاوات افزایش یابد، گفت: بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۴ قانون مانع زدایی از توسعه صنعت برق که در روز گذشته به تصویب هیات وزیران رسید، وظایف مشخصی برای تسهیل صدور مجوزهای لازم اعم از مجوز محیط زیست، تخصیص سوخت و تخصیص آب و اتصال به شبکه، توسط نهادهای مربوطه مشخص شده که امید است با انجام به موقع این وظایف، نیروگاه های صنایع در اسرع وقت به شبکه سراسری برق کشور متصل شوند و در نتیجه مصرف برق آنها از روی شبکه سراسری برق برداشته خواهد شد.

رجبی مشهدی با بیان اینکه مصوبه دیگری برای تأمین منابع خرید برق تولیدی نیروگاه های تجدیدپذیر، انجام شد تا محل صرفه جویی همین نیروگاه ها، منابعی در اختیار آنها قرار بگیرد، گفت: با تصویب آیین نامه اجرایی توسعه صنعت برق شرایطی را برای صنایع بزرگ و انرژی بر فراهم کردیم تا در احداث نیروگاه های حرارتی مشارکت داشته باشند. وی با تأکید بر اینکه مشوق ها و توجیه اقتصادی لازم برای ساخت این نیروگاه ها پیش بینی شده است، اظهار کرد: این صنایع موظف شدند تا ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه حرارتی و تجدیدپذیر ایجاد کنند.

صنایع انرژی بر شامل صنایع بزرگ فلزی، معدنی، پتروپالایشی و شیمیایی، موظف به احداث حداقل ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه حرارتی و تجدیدپذیر تا پایان سال ۱۴۰۴ هستند.

سخنگوی صنعت برق از ورود بخش صنعت به حوزه تجدیدپذیرها خبر داد و گفت: طبق آخرین آیین نامه فرآیند صدور مجوزهای لازم برای احداث این نیروگاه ها توسط صنایع انرژی بر کشور تسریع شده و صنایع کشور می توانند با سرعت بیشتری نسبت به تکمیل نیروگاه های خود اقدام کنند.

مصطفی رجبی مشهدی، با اشاره به لزوم توسعه تجدیدپذیرها با توجه به ناترازی صنعت برق، اظهار کرد: آیین نامه اجرایی ماده ۴ قانون مانع زدایی از توسعه صنعت برق در خصوص احداث نیروگاه توسط صنایع انرژی بر کشور به تصویب هیات دولت رسید. به گفته وی بر اساس ماده ۴ قانون مانع زدایی از توسعه صنعت برق کشور، آیین نامه صنایع انرژی بر که شامل صنایع بزرگ فلزی، معدنی، پتروپالایشی و شیمیایی هستند موظف به احداث حداقل ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه تا پایان سال ۱۴۰۴ هستند.

سخنگوی صنعت برق با بیان اینکه در تابستان سال جاری ۶۷۵ مگاوات از

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود پارافین تک داده در تاریخ ۱۴۰۲.۰۷.۰۸ به شماره ثبت ۶۱۹۱۰۷ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۶۰۴۲۷۰ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

کلیه گمرکات داخلی، ایجاد شعب و نمایندگی در سراسر کشور، برگزاری و شرکت در کلیه نمایشگاه ها و همایش های معتبر داخلی، خارجی و بین المللی، عقد قرارداد با شرکت ها و ارگان های دولتی، خصوصی و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، شرکت در مناقصات و مزایده های در زمینه موضوع فعالیت شرکت، تاسیس شرکت جدید یا مشارکت در شرکت های موجود، اخذ و پذیرش نمایندگی شرکت ها و موسسات داخلی و خارجی مرتبط با فعالیت شرکت و ایجاد دفاتر و شعب و نمایندگی در سایر استان ها، کلیه موارد فوق در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، والفجر، خیابان شصت و ششم غربی، خیابان بیست متری گلستان، پلاک ۳، طبقه ۲، واحد شمالی کدپستی ۱۴۳۶۹۱۵۱۶۶ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم شرکتی هر یک از شرکا آقای هوشنگ جعفری به شماره ملی ۲۸۰۳۳۸۱۹۰۱ دارند ۹۰,۰۰۰ ریال سهم شرکتی آقای علی جعفری به شماره ملی ۲۸۵۰۴۵۱۸۳۵ دارند ۱۰,۰۰۰ ریال سهم شرکتی احمد همت مدیره آقای هوشنگ جعفری به شماره ملی ۲۸۰۳۳۸۱۹۰۱ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود آقای علی جعفری به شماره ملی ۲۸۵۰۴۵۱۸۳۵ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، پروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیر الانتشار افق اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۹۲۷۶۸)

موضوع فعالیت طراحی، برنامه ریزی، تهیه، تولید، راه اندازی و پشتیبانی نرم افزارهای غیرفرهنگی، غیرهنری، غیرساختی کامپیوتری، اپلیکیشن های تلفن همراه و تجهیزات سخت افزاری و الکترونیک مجاز، ایجاد پست های اطلاعاتی و فنی لازم برای انجام تراکنش های اطلاعاتی جهت ارائه، توسعه، گسترش و بهره برداری، ارائه خدمات تجارت الکترونیک، تولید و ارائه دستگاه های جانبی، تولید و پشتیبانی اپلیکیشن و نرم افزارهای غیرفرهنگی، غیرهنری، غیرساختی، برنامه نویسی، طراحی سایت و پیاده سازی اپلیکیشن موبایل و نرم افزارهای غیرفرهنگی، غیرهنری، غیرساختی تحت وب، شبکه فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک مجاز غیرشبکه های و غیرهمی، ارائه خدمات ایجاد راهکارهای تسهیل کننده فرآیندهای خرید برای کاربران مبتنی بر روش های خرید آنلاین و خرید در فضای حقیقی، به کارگیری روش های نوین در معاملات الکترونیک مجاز برای کاربران، ایجاد خدمات تسهیل کننده خرید برای کسب و کارهای الکترونیک مجاز و همچنین فروشگاه های حقیقی، ارائه خدمات مشاوره در تحلیل، طراحی، سرمایه گذاری و توسعه کسب و کارهای نوآورانه، ارائه خدمات بازاریابی غیرشبکه های و غیرهمی، مدیریت و انتقال فناوری، توسعه همکاری های بین المللی جهت تقویت کسب و کارهای نوین و دیگر موضوع های مرتبط با فعالیت شرکت، تهیه و ارائه خدمات هاستینگ و سرورهای مجازی و اختصاصی و پشتیبانی، اجاره و فروش سرورهای مجازی و اختصاصی، پیاده سازی شبکه های نوین رایانه ای، اجرا و نصب و پشتیبانی سیستم های امنیت شبکه، طراحی صفحات وب، خرید و فروش، نصب، راه اندازی و پشتیبانی تجهیزات شبکه و ذخیره سازی اطلاعات و پایگاه داده، تجاری سازی محصولات و خدمات نوآورانه در بستر وب و واردات و صادرات کلیه کالاها مجاز بازرگانی و خدمات تجارت الکترونیک و مرتبط با فناوری اطلاعات، عضویت و مشارکت در مجامع و نهادهای مجاز داخلی، خارجی و بین المللی با رعایت قوانین مربوطه، اخذ وام و تسهیلات بانکی به صورت ارزی و ریالی، گشایش اعتبارات ال سی و ضمانت نامه برای شرکت از کلیه بانک ها و موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی، ترخیص کالا از

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود توسعه اکسیر رایکا در تاریخ ۱۴۰۲.۰۷.۰۸ به شماره ثبت ۶۱۹۶۲۲ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۶۳۰۸۹۲ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان شمیرانات، بخش مرکزی، شهر تجریش، درکه، خیابان شهید محمدباقر ابراهیم احمدپور، بن بست گلستان، پلاک ۷، بلوک شرقی، طبقه ۴، واحد ۱۱ کدپستی ۱۹۸۴۱۱۴۵۷۴ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم شرکتی هر یک از شرکا خانم رایکا نوروزی نیا به شماره ملی ۰۰۲۲۴۱۰۴۹۱ دارند ۱۰,۰۰۰ ریال سهم شرکتی خانم آزیتا نظامی به شماره ملی ۰۰۴۳۹۸۲۹۳۱ دارند ۹۰,۰۰۰ ریال سهم شرکتی اعضا هیئت مدیره خانم رایکا نوروزی نیا به شماره ملی ۰۰۲۲۴۱۰۴۹۱ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود خانم آزیتا نظامی به شماره ملی ۰۰۴۳۹۸۲۹۳۱ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، پروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضای خانم آزیتا نظامی و خانم رایکا نوروزی نیا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد بدیهی است اضافه کردن هر گونه متنی به الگوی فوق متناسب با نیاز شرکت بلا مانع است. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیر الانتشار افق اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید، ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۹۲۷۶۹)

موضوع فعالیت انجام پروژه های تحقیقاتی و پژوهشی، ارائه خدمات مشاوره ای، تولید و ساخت و فروش، انتقال و اخذ فناوری و دانش فنی در زمینه های فرمولاسیون، تکنولوژی ساخت و راه اندازی خطوط تولید برای انواع مواد مختلف آرایشی، بهداشتی، دارویی، غذایی، مکمل ها، سرمایه گذاری و تاسیس و مشارکت و احداث کارخانجات مرتبط با موضوع شرکت، انجام کلیه فعالیت های مجاز بازرگانی اعم از خرید، فروش، توزیع، تولید، بسته بندی و واردات و صادرات کلیه مواد و دستگاهها و ماشین آلات تولید و بسته بندی در زمینه های فوق الذکر و نیز در زمینه های تجهیزات پزشکی، دندان پزشکی، دامپزشکی، بیمارستانی و پیراپزشکی، ترمیمی و زیبا سازی، آرایشی و سایر کالا های مجاز بازرگانی بعد از اخذ مجوز از مراجع ذیربط، ترخیص کالا از کلیه گمرکات داخلی، عقد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی، حقوقی، دولتی، خارجی و خصوصی، برپایی غرفه و همایش و سمینار و شرکت در نمایشگاه های معتبر داخلی و خارجی و بین المللی، شرکت در مناقصات و مزایده های دولتی، خصوصی، داخلی و خارجی اخذ و اعطای نمایندگی از شرکت های معتبر داخلی و خارجی و تاسیس شعب و نمایندگی در داخل و خارج از کشور، اخذ وام و تسهیلات و اعتبار و ضمانت بانکی و گشایش اعتبارات انسانی و ال سی برای این شرکت در بانک ها و موسسات مالی و اعتباری به صورت ارزی و ریالی در داخل و خارج از کشور و هر گونه فعالیت مجاز دیگر مرتبط با موضوع شرکت، در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود کارنو گستر صدرا در تاریخ ۱۴۰۲.۰۷.۱۷ به شماره ثبت ۶۱۹۵۸۲ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۶۲۸۲۹۱ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

موضوع فعالیت طراحی و مشاوره انجام امور مربوطه به نما سازی و طراحی داخلی ساختمان و صنایع ام دی اف و کابینت سازی و ساخت و اجرای کلیه مصنوعات چوبی و طراحی و اجرای دیزاین و دکوراسیون داخلی کلیه اماکن دولتی و خصوصی و تجاری و نمایشگاهی و طراحی و اجرای انواع پارتنین از چوب و لوراق فشرده چوب و کابینت از چوب و لوراق فشرده و انواع کمد و کتابخانه - قفسه - فایل و کانت - تجهیز و راه اندازی ماشین آلات و خطوط تولید صنایع چوب و نیت سفارش و حق عملکردی مشارکت و سرمایه گذاری در اجاره کلیه پروژه های تولیدی و سازه ای صنعت چوب - انعقاد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی - اخذ وام اعتبارات بانکی بصورت ارزی و ریالی از کلیه بانک های داخلی و خارجی و شرکت در کلیه مناقصات و مزایده های داخلی و خارجی در صورت ضرورت قانونی پس از اخذ مجوز لازم. در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، حسینی فردوس، کوچه وحدت دوم، کوچه اول، پلاک ۸، ساختمان سرو، طبقه ۴، واحد ۷ کدپستی ۱۳۷۱۷۶۵۹۶۳ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم شرکتی هر یک از شرکا خانم لیلی اوحدی به شماره ملی ۰۰۱۰۳۴۸۸۷۵ دارند ۵۰,۰۰۰ ریال سهم شرکتی علی اوحدی به شماره ملی ۱۶۳۹۹۰۹۳۶۲ دارند ۵۰,۰۰۰ ریال سهم شرکتی اعضا هیئت مدیره خانم لیلی اوحدی به شماره ملی ۰۰۱۰۳۴۸۸۷۵ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای سید علی اوحدی به شماره ملی ۱۶۳۹۹۰۹۳۶۲ به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، پروات، قراردادها، عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء سید علی اوحدی همراه با مهر شرکت معتبر میباشد اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیر الانتشار افق اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید، ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۹۲۷۷۰)

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود مهور تجارت آفاق سپهر به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۵۱۹۲۴۹ و به شماره ثبت ۶۱۷۴۶۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۲.۰۶.۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، توحید، خیابان نصرت غربی، بن بست بهمن، پلاک ۳، طبقه همکف به کد پستی ۱۴۵۷۸۶۴۸۷۱ تغییر یافت و مانده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۹۲۷۷۱)

افق اقتصاد
Ofogheghtesad.com
O fog heghtesad

راه اندازی شهرک تخصصی صنعت اسباب بازی

دفتر صنایع خلاق اخیراً با هماهنگی شورای نظارت بر اسباب بازی کمیسیون فنی نظارت بر واردات اسباب بازی هم تشکیل شده که اعضای این کمیسیون کالاهای ثبت سفارش شده را بررسی می کنند تا کالای بدون کیفیت یا کالای دارای مغایرت فرهنگی با جامعه ما داشته باشد وارد نشود و ضرر و زیانی هم شامل حال واردکننده نشود. معاون دفتر صنایع خلاق و ورزشی وزارت صمت در پاسخ به سؤالی درباره احتمال همکاری با چین در حوزه تولید اسباب بازی، تصریح کرد: تلاش ما این است ابتدا تولیدکنندگان داخلی صرفاً در نمایشگاه های تخصصی حضور داشته باشند، در این صورت ممکن است قراردادهایی برای تولید مشترک نیز فراهم شود. چین هم در حوزه اسباب بازی برای همه کشورهای جهان مطابق کیفیتی که مصرف کننده درخواست کند، تولید می کند.

حموله درباره سیاست های حمایتی از تولیدکنندگان اسباب بازی نیز گفت: وزارت صمت به دنبال این است صنعت اسباب بازی در شهرک تخصصی اسباب بازی رشد کند که در این زمینه پیگیری ها، مکاتبات و موافقت ها انجام شده و اگر محقق شود، اتفاق خوبی برای تولیدکنندگان است. اما تا کید می کنم کسانی می توانند از این حمایت ها استفاده کنند که در سامانه جامع تجارت کد نقش داشته باشند و خودشان را معرفی کرده باشند. در اصل یکی از راه های جلوگیری از تولید اسباب بازی کپی و زیر پله ای، شفاف شدن فضای تولید است.



شوند. یکی از مشکلات صنعت اسباب بازی در کشور بحث آمار مصرف، تولید و صادرات است. البته آمارهایی وجود دارد، اما می توان گفت دقیق نیستند و نظرات متفاوت است. بنابراین مکاتباتی با مرکز آمار برای تهیه آمارهای دقیق انجام شده است.

حموله با بیان اینکه کیفیت تولید اسباب بازی نسبت به سال های قبل بیشتر شده و صادرات هم در این حوزه حتی به کشورهای اروپایی هم انجام می شود، گفت: به دنبال این هستیم با حمایت هایی که برای این صنعت در نظر داریم، فصل جدیدی برای تولید اسباب بازی آغاز شود. وی با بیان اینکه انجمن تولیدکنندگان اسباب بازی در حال تشکیل کمپنی هستند تا شرکت هایی که کالای صادراتی دارند را معرفی کنند، گفت: واردات اسباب بازی از کشورهای مختلف انجام می شود، اما بیشترین واردات مانند اکثر کشورها از کشور چین است. در

معاون دفتر صنایع خلاق و ورزشی وزارت صمت گفت: وزارت صمت به دنبال این است صنعت اسباب بازی در شهرک تخصصی اسباب بازی رشد کند که در این زمینه پیگیری ها، مکاتبات و موافقت ها انجام شده و اگر محقق شود اتفاق خوبی برای تولیدکنندگان است.

به گزارش ایسنا، محسن حموله با بیان اینکه دفتر صنایع خلاق و ورزشی از سال ۱۴۰۰ در وزارت صمت، معدن و تجارت تشکیل شده است، گفت: هشت رشته فعالیت از جمله اسباب بازی در این دفتر مشخص شدند و تولید، بازار، تجارت و بحث های مربوط به فناوری و کسب و کار این رشته ها از سوی کارشناسان دفتر رصد و هدایت می شود.

وی با بیان اینکه در این مدت اقداماتی با برگزاری جلسات با افراد متخصص و کارشناسان در این صنعت انجام شده تا بتوانیم برای این صنعت پیش نویس سند راهبردی اسباب بازی را آماده کنیم، اظهار کرد: در این پیش نویس بخش های مختلف صنعت سرگرمی و اسباب بازی دیده شده است و به زودی بعد از جمع بندی از این سند رونمایی خواهد شد. در این سند نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای این رشته فعالیت تخصصی و چشم انداز پنج ساله صنعت اسباب بازی دیده شده است. معاون دفتر صنایع خلاق و ورزشی وزارت صمت، گفت: افرادی که در سامانه جامع تجارت، به عنوان تولیدکننده اسباب بازی، کد نقش دارند و آمار تولید خود را در این سامانه اطلاع رسانی می کنند، می توانند از حمایت های دفتر صنایع خلاق در این حوزه بهره مند

رشد صادرات فولاد از ۳.۸ تا ۱۸۰ درصد در شش ماهه اول ۱۴۰۲



از بالغ بر هفت میلیون تن فولاد صادراتی بیشترین حجم متعلق به شمش فولاد (فولاد میانی) است که بالغ بر ۳.۵ میلیون تن ثبت شده و رشد ۲۵.۶ درصدی نسبت به میزان صادرات آن در مدت مشابه سال گذشته دارد؛ اما بیشترین رشد صادرات در مقایسه آماری این دو بازه (شش ماهه اول ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲) مختص آهن اسفنجی با درصد ۱۸۰.۱ درصد است.

طبق آمار، در مجموع شش ماهه امسال، از ۱۵ میلیون و ۴۲۲ هزار تن شمش فولادی تولید شده، سه میلیون و ۶۹۰ هزار تن آن صادر شده که بیشترین حجم صادراتی فولادی هاست و ۲۵.۶ درصد بیش از میزان صادرات آن در نیمه نخست سال گذشته است که ظرف آن مدت، دو میلیون و ۹۳۷ هزار تن شمش فولاد (فولاد میانی) صادر شده بود.

صادرات فولادی ها در شش ماهه اول سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته از ۳.۸ تا ۱۸۰ درصد رشد را تجربه کرده است. طبق آمار، صادرات فولادی ها در شش ماهه نخست امسال نسبت سال گذشته، رشد ۳.۸ درصدی تا ۱۸۰.۱ درصدی را تجربه کرده است؛ بر این اساس بیشترین حجم صادراتی متعلق به شمش فولاد و بیشترین درصد رشد صادرات متعلق به آهن اسفنجی با رشد ۱۸۰.۱ درصدی بود.

بر اساس جدول آماری ارائه شده توسط انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران از عملکرد شش ماهه فولادسازان در امر صادرات، از ابتدای سال تا پایان شهریور ماه، بخشی از تولید صورت گرفته در زنجیره آهن و فولاد تولیدی ایران، صادر شده و بخش قابل توجه آن به بازار داخل کشور تزریق و صرف مصارف داخلی شده است.

مرکز آمار ایران اعلام کرد

میانگین قیمت آپارتمان در تهران از متری ۸ میلیون تومان گذشت



در مردادماه، ۱۶.۹ واحد درصد افزایش نشان می دهد.

متوسط قیمت آپارتمان های مسکونی شهر تهران به تفکیک منطقه

در شهریورماه ۱۴۰۲ متوسط وزنی قیمت آپارتمان های مسکونی فروش رفته در شهر تهران ۸۰ میلیون و ۸۳۸ هزار تومان بوده و میانگین حساب آن به ۷۷ میلیون و ۴۸۰ هزار تومان رسیده است.

در این ماه منطقه یک تهران با متوسط وزنی قیمت ۱۵۷ میلیون و ۹۵۲ هزار تومان بالاترین و منطقه ۱۸ تهران با متوسط وزنی قیمت ۴۱ میلیون و ۵۰۱ هزار تومان پایین ترین میانگین قیمت را در بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به خود اختصاص داده اند.

در شهریورماه، تعداد معاملات مسکن شهر تهران به ۳۰۰۸ مورد رسیده که نسبت به ماه قبل (۳۳۸۸ مورد) ۱۱.۲ درصد کاهش نشان می دهد.

مرکز آمار ایران با انتشار گزارش شاخص و متوسط قیمت آپارتمان های مسکونی شهر تهران در شهریورماه ۱۴۰۲، از کاهش ۱.۷ درصدی تورمی بازار مسکن در این ماه و رسیدن میانگین قیمت به ۸۰.۸ میلیون تومان خبر داد.

طبق اعلام مرکز آمار ایران، در شهریورماه ۱۴۰۲ تورم نقطه به نقطه قیمت آپارتمان های مسکونی شهر تهران به عدد ۷۵.۲ درصد رسیده که شتاب آن نسبت به ماه قبل ۸.۹ واحد درصد کاهش پیدا کرده است.

همچنین تورم ماهانه قیمت آپارتمان های مسکونی شهر تهران در شهریورماه ۱.۷- درصد بوده است؛ در حالی که تورم ماهانه در ماه قبل (مردادماه) منفی ۰.۷ درصد برآورد شده بود.

در این میان، نرخ تورم سالانه مسکن تهران در یک سال منتهی به شهریور ۱۴۰۲ در مقایسه با دوره مشابه سال قبل به ۸۳.۹ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع

تعریف ۹ طرح اضطراری برای مقابله با تنش آبی



چند ردیف بودجه برای این موضوع در نظر گرفته شده است، یک ردیف تنش آبی وجود دارد که سالانه چند هزار میلیارد تومان شارژ می شود. وی افزود: علاوه بر این از بند "م" ماده ۲۸ مدیریت بحران نیز منابع خوبی تامین می شود، در برخی مواقع دیده می شود که طرح اضطراری همان طرح اصلی است که باید فوری آن بخش اجرایی شود، از بودجه آن طرح هم برای این مساله بهره می گیریم. به گفته سخنگوی صنعت آب هر سال بودجه به این بخش تخصیص می یابد و امسال نیز ۱۹ هزار میلیارد تومان در این بخش تامین کرده ایم.

سخنگوی صنعت آب با اشاره به طرح های آبی اضطراری در استان های سیستان و بلوچستان، گلستان، تهران و شهر مشهد از تخصیص حدود ۱۰۸ هزار میلیارد ریال، خبر داد. سخنگوی صنعت آب با اشاره به ضرورت رفع تنش آبی در استان های کشور گفت: در استان های سیستان و بلوچستان، گلستان، تهران و شهر مشهد ۹ طرح در نظر گرفته شده و حدود ۱۰۸ هزار میلیارد ریال نیز برای این موضوع تخصیص یافته است. عیسی بزرگ زاده، سخنگوی صنعت آب با اشاره به برنامه وزارت نیرو برای مقابله با بحران آب و شهرهای دارای تنش آبی اظهار کرد:

چرا مسیر کره شمالی از کره جنوبی جدا شد؟



کره شمالی و کره جنوبی رسماً یک کشور بودند که بعد از جنگ جهانی دوم به دو کشور تبدیل شدند. بعد از جنگ جهانی دوم هم تا اوایل دهه ۱۹۷۰ درآمد سرانه هر دو کشور مساوی بود. اما امروز بعد از گذشت نیم قرن، کره جنوبی جزو اقتصادهای برتر دنیاست و حتی درآمد سرانه اش از بسیاری از کشورهای اروپایی بیشتر است ولی در کره شمالی داستان کاملاً متفاوت است و اقتصاد در این کشور اصلاً حال خوبی ندارد تا حدی که مردمش در فقر به سر می‌برند و رفاه خوبی هم ندارند.

توجه داشته باشید که کره شمالی و کره جنوبی از یک قومیت و فرهنگ هستند. یک جغرافیا، یک آب و هوا و حتی یک مختصات فیزیکی دارند ولی تنها علتی که داستان و سرنوشت این دو کره را از هم جدا کرد یک چیز بود: "کیفیت حکمرانی"

اولویت کره شمالی ایدئولوژی بود و اولویت کره جنوبی اقتصاد! نقطه شروع تفاوت دو کشور از جایی شروع شد که کره شمالی با الگو گرفتن از نظام کمونیستی شوروی، با شعار مائیتونیم سیاست خودکفایی را در پیش گرفت، اما کره جنوبی به سراغ تجارت و تعامل با دنیا رفت (حتی با کشورهای مثل چین و ژاپن که در گذشته با آن‌ها جنگ و تنش شدیدی داشت) به طور کلی کره شمالی، سعی کرد سیاست و ایدئولوژی کمونیستی را محور کار خود قرار دهد ولی کره جنوبی به اصول اقتصادی درست احترام گذاشت و نتیجه آن چیزی شد که باید می‌شد. حتی بد نیست بدانید که تا پیش از دهه ۱۹۷۰ کره شمالی از لحاظ نظامی و اقتصادی حتی منابع طبیعی، وضعیتی بسیار مطلوب‌تر از کره جنوبی داشت. مثلاً کره شمالی بزرگترین کارخانه سیمان دنیا را داشت یا مثلاً در آن زمان مترو داشت چیزی که اصلاً در کره جنوبی وجود نداشت.

اما چرا سرنوشت دو کره اینقدر متفاوت شد؟

کره شمالی به دنبال این بود که حتی یک دلار تجارت با آمریکا یا هیچ کشور دیگری نداشته باشد و تمام نیازهایش را در داخل مرزهای خودش برطرف کند و خودکفا باشد ولی کره جنوبی از تجارت با هر کشوری استقبال می‌کرد حتی در یک بازه‌ای پیش قدم شد تا بتواند تجارت را با کره شمالی راهم شروع کند که البته کره شمالی استقبال نکرد.

کره شمالی بیش از حد به منابع طبیعی و ثروت خدادادی اتکامی کرد و معتقد بود که ما معدن طبیعی، سنگ آهن و زغال سنگ و مس و روری داریم و با همین منابع دیگر هیچ نیازی به کشورهای دیگر نخواهیم داشت.

اما کره جنوبی اتکا به منابع طبیعی را کم رنگ کرد و روری منابع انسانی سرمایه گذاری کرد و از نیروهای متخصص کمک گرفت و نیروی متخصص پرورش داد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ که قیمت مواد معدنی سقوط شدیدی داشت کره شمالی لطمه جدی خورد به طوری که درآمدش کم شد و نمی‌توانست بدهی‌های خارجی خود را بپردازد و برای رفع این بحران اقدام عجیبی کرد آن هم این که رسماً اعلام کرد بدهی خارجی خود را به هیچ کشوری، نخواهیم پرداخت. استدلال رهبران کره شمالی این بود که ما خودکفا هستیم پس نیازی به برقراری روابط اقتصادی با سایر کشورها نداریم. بد نیست بدانید در طی نیم قرن گذشته رهبران کره شمالی با کمتر از بیست مقام بلند پایه در دنیا ملاقات داشته‌اند و این در حالی است که کره جنوبی تمام تلاش خود را می‌کند تا با هر کشوری (حتی کشورهای که در زمان‌های گذشته با آنها جنگ داشت) وارد فاز مذاکره و تعامل اقتصادی شود! کره شمالی هیچ اعتقادی به بخش خصوصی نداشت و سعی می‌کرد همه چیز را دولتی کند، یعنی معتقد بود هر کسب و کار خوبی یا باید دولتی باشد یا دولتی شود. پس اگر بخش خصوصی هم در بیزنسی موفق است راهی به جز مصادره برای آن نیست که این هم برگرفته از تفکرات کمونیستی است. در صورتیکه کره جنوبی از بخش خصوصی حمایت ویژه‌ای کرد و نتیجه آن به وجود آمدن کمپانی‌های بزرگی مثل هیوندای و کیا و سامسونگ و... بود! نکته قابل تامل در بررسی سرنوشت دو کره کیفیت حکمرانی و سطح دغدغه سیاستمداران است.

etebarbroker

خردورزی حرکتی از حسرت به طلب توسعه



میدانیم خواستن و طلب نقطه آغازین هر تحولیست و طلب توسعه در بین مردم یک کشور نیز نقطه‌ای آغازین در حرکت به سمت توسعه است. پس اگر جامعه‌ای توسعه نیافته باقی می‌ماند، مانع آن در خود جامعه و در نبود یا کمبود طلب توسعه است. اما برای فهم بهتر این موضوع باید بین خواسته مردم از توسعه (توسعه خواهی و طلب توسعه) با آرزو و حسرت توسعه تفاوت قائل شویم. حسرت و آرزو ویژگی‌های جامعه توسعه نیافته است و در مقابل خواستن، برنامه‌ریزی و نظم و ویژگی جامعه توسعه یافته است. اما چه شده که نتیجه تجربه تاریخی ما «حسرت» است؟ سوالی بسیار عمیق و مسئله‌ای که شاید پاسخ به آن نیازمند فهم دقیق‌تر توسعه است.

آیا ما می‌توانیم توسعه را تعریف کنیم؟ سوال سختی است اما به نظر می‌رسد توسعه مفهومی تاریخی است و در طول تاریخ معنای خود و مانع درون تاریخ قرار گرفته‌ایم و بنا بر این فهمی کامل از توسعه نداریم. ایران ما هنوز در مرحله ایجاد طلب برای توسعه قرار دارد و شاید نتوانیم توسعه را دقیق تعریف کنیم و بنا بر این شاید نتوانیم برای توسعه نظریه پردازی جامعی نیز داشته باشیم. اما ما می‌توانیم توسعه را ببینیم و آن را توصیف کنیم. یعنی ناظر به مصادیق توسعه در جهان به بیان ویژگی‌های انضمامی آن بپردازیم و در جهت ارتقای آگاهی از مفهوم توسعه، آن را توضیح دهیم.

با این حال مشکلی بر سر راه عملیاتی نمودن آگاهی بدست آمده از توصیف توسعه وجود دارد. توسعه‌ای که در بسستر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دیگری شکل گرفته است، و ظرفیت‌های خود را بالفعل کرده است و به نوعی تاریخ انقضای آن گذشته است و تحقق یافته است، نمی‌تواند آینده جامعه‌ای باتاریخ و فرهنگ متفاوت باشد. ثانیاً در این روش مظاهر توسعه یافتگی را دیدیم و آنها را آرزو کرده‌ایم و حسرت نداشتن را خوردیم، اما به ریشه‌ها و مبانی و مسیری که در طول تاریخ، آن ظاهر را ایجاد کرده است توجه نکرده‌ایم و آنها

pooyeshfekri

کانال

مرز عقل و جنون

چه انتظار می‌توان داشت از جامعه‌ای که عقل عادی و توقع عادی نتواند برای آنچه در آن می‌گذرد، توجیه بیاورد؟ در این صورت بافت کلی اجتماعی به گونه‌ای می‌شود که نوعی فشرده‌گی در درون فرد ایجاد گردد، و آنگاه کسانی که ترمز درونی کمتر و ظرفیت اشتغال بیشتر دارند، در آستانه‌ی انفجار قرار گیرند. وقتی به آخرین راه حل، یعنی قتل توسل جستجو شود، در حالی که می‌شده است راه حل‌های دیگر را آزمود، قرینه‌ای بر گسیختگی تار و پود اجتماعی است.

از کتاب «دبوز، امروز، فردا»؛ سروسخنگو

و محابا ایجاد کند. اگر جامعه‌ای از لحاظ اخلاقی رها شد، هیچ نیروی پلیسی قادر نخواهد بود که او را به رعایت موازین وادارد. پلیس هرچند در کشف جرم چالاک باشد، و مجرم سرانجام به دام بیفتد، باز کافی نخواهد بود. باید زمینه‌ی جرم‌گرایی زوده شود. چرا جوان امروزی چنان در سرگردانی روحی و آشوب درونی به سر برده که تنها حدت جرم بتواند عطش او را فرو نشاند؟ اگر چراها را بی‌جواب بگذاریم و بخواهیم تنها بعد از وقوع با واقعه روبرو شویم، روزی برسد که تراکم وقایع بر توانایی حل مافروزی گیرد.

چاقومی کشد، و رضایت خاطرش به کمتر از خون ریختن اکتفا نمی‌گردد. نمی‌توان گفت که روانش طبیعی کار می‌کند. اگر چنین حالتی پیش آمد، البته از مجازات معاف نمی‌ماند ولی آیا این سؤال پیش نمی‌آید که عواملی ذره ذره جمع شده و او را به این کار مهیأ یا تشویق کرده‌اند؟ هر یک از این موارد محتاج بررسی دقیق روانی و اجتماعی است. همه‌ی اینها نشانه‌ی آن است که ضوابط اجتماعی به هم خورده است، ترمزهای درونی کار نمی‌کنند. آموزش، تربیت یا سرمشقی در برابر نیست که مهار

زنده یاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

کسانی به حد وفور یافت می‌شوند که در مرز عقل و جنون به سر می‌برند. حالتی است بینابین. علائم پزشکی آنان را فاقد اراده و مجنون نمی‌شناسد، و حرکات روزمره‌ی آنها نیز چنین گواهی‌ای ندارد، ولی چیزی در کار هست؛ عقده‌ی می‌تواند خیلی کارها بکند. مرز میان عقل و جنون آنقدرها مشخص نیست. کسی که به خود کارد می‌زند، کسی که به اندک ناملایمی